

کبریت اتمی اسرائیل در کنار نفت منطقه

جان اشتاین باخ - یونگه ولت
ترجمه و تدوین وحید منصوری

اسرائیل بارها کشورهای عربی و اتحاد شوروی را (بعد از پایان جنگ سرد روسیه را) به طور سربسته تهدید به بمباران اتمی کرده است. در این مورد می توان به یکی از سخنان هراس انگیز آریل شارون نخست وزیر وقت اسرائیل اشاره نمود که گفته بود: "اگر اعراب صاحب نفت هستند، ما هم کبریت داریم."

شارون در سال ۱۹۸۳ میلادی آمادگی خود را برای حمله و بمباران تاسیسات هسته ای پاکستان، با همکاری نیروهای هندوستان به این کشور اعلام کرد. همچنین در اواخر دهه هفتاد میلادی، وی جهت حمایت از رژیم شاه، پیشنهاد کرد که چتربازان اسرائیلی به تهران اعزام شوند. شارون در سال ۱۹۸۲ میلادی خواهان ایجاد یک کمربند امنیتی از موریتانی تا افغانستان برای اسرائیل شد.

در سال ۱۹۹۲ میلادی "آد بروش" متخصص اتمی اسرائیل اظهار داشت: "ما نباید از آن شرم داشته باشیم که اعلام نمائیم استفاده از سلاح هسته ای یکی از ابزارهای اصلی ما در دفاع و ترساندن همه کسانی است که ما را تهدید کرده و مورد حمله قرار می دهند." طبق گفته شاهاکز: "سیاست اسرائیل نباید برپایه صلح بنا شود، بلکه باید هژمونی و نفوذ اسرائیل توسعه یابد. اسرائیل مصمم است حتی با استفاده از سلاح اتمی هرگونه حرکتی را که بموجب آن دگرگونی هایی بر خلاف منافع و خواست این کشور در منطقه و کشورهای عربی را باعث شود مانع گردد."

اسرائیل در پی گسترش هژمونی و سرکردگی خود در خاورمیانه از هیچ اقدامی فروگذار نخواهد کرد و برای رسیدن به این هدف از کلیه امکانات و از جمله از تسلیحات هسته ای خود نیز استفاده خواهد کرد.

اسرائیل از تسلیحات اتمی خود فقط برای ترساندن دشمن سود نمی برد، بلکه زیرکانه اهداف جنبی دیگری را نیز مد نظر دارد. از جمله می توان حمایت از دولت های ارتجاعی عرب در برابر جنبش های مترقی و یا مداخله در مسایل سیاسی و افروختن آتش جنگ در بین کشورهای عربی را نام برد.

در استراتژی اسرائیل این مورد "اعمال فشار غیرمعمول" نامیده می شود. شیمون پرز در این زمینه می گوید: "صاحب یک اسلحه پیشرفته و مدرن بودن به معنی داشتن امکانی است که می توان از آن برای اعمال فشار مناسب استفاده کرد، بدین معنی که نیروی مقابل را به پذیرش خواست های اسرائیل مجبور کرده و قرارداد صلح را هم به امضا رساند."

اسرائیل به دلیل برتری اتمی خود بی اعتنا به افکار عمومی جهان عمل می کند. در تأیید این سخن می توان به اشغال لبنان و ویران کردن بیروت در سال ۱۹۸۲ میلادی تحت رهبری آریل شارون اشاره کرد که در پایان به کشته شدن بیش از ۲۰ هزار غیرنظامی منجر شد. به رغم نابود کردن کشور همسایه (لبنان)، اسرائیل جنگ را برای ماه های مدیدی ادامه داد و مسلماً این عمل بدون اتکا به تهدیدهای اتمی این کشور امکان پذیر نبود.

یکی از اهداف اساسی اسرائیل از دارا بودن این تسلیحات، زیر فشار قراردادن ایالات متحده آمریکا و وادار کردن این کشور به موضعگیری های مناسب با منافع اسرائیل است. برای نمونه در جنگ سال ۱۹۷۳ میلادی، اسرائیل با تهدید به استفاده از این تسلیحات، کیسنجر و نیکسون را مجبور به ارسال مقادیر قابل ملاحظه ای وسایل جنگی به قصد کمک به اسرائیل

کرد. مثالی برای این استراتژی را "آموس رابین" مشاور اقتصادی نخست وزیر وقت "اسحاق شامیر" چنین بیان می دارد: "اگر اسرائیل تنها گذاشته شود، چاره ای جز گرفتن حالت تدافعی ندارد که این شیوه عواقب ناگواری برای اسرائیل و جهان در پی خواهد داشت. برای امتناع در استفاده از تسلیحات هسته ای و دوری گزیدن از این شیوه اسرائیل احتیاج به کمک مالی آمریکا دارد و این سالانه هزینه ای بالغ بر ۲ تا ۳ میلیارد دلار را شامل می شود."

از آن زمان میزان تسلیحات هسته ای اسرائیل چه از نظر کیفی و چه از نظر کمی رشد قابل ملاحظه ای داشته اند و کمک های مالی آمریکا نیز بدون وقفه به سوی اسرائیل سرازیر بوده است.

۲۲ فوریه سال ۲۰۰۱ میلادی خاورمیانه تا آستانه یک جنگ جدید پیش رفت و افکار عمومی جهان کوچکترین اطلاعی از این واقعه نداشت. بنابه گزارش "ساندی تایمز" و "دبکا فایل" (سازمان اطلاعاتی ضد ترور اسرائیل)، این کشور طبق اطلاعاتی که از آمریکا در مورد تغییر مواضع ناگهانی تانک های عراق در مرزهای سوریه و آماده کردن موشک های زمین به زمین عراقی بدست آورده بود، حالت آماده باش فوق العاده اعلام کرد. "دبکا فایل" مدعی شد که راکت های عراقی برای مقابله با حمله آمریکا و اسرائیل به حالت آماده باش در آمده اند. علیرغم حمله فوری ۴۲ جنگنده هوایی آمریکا و بریتانیا به عراق، خسارت ناچیزی به نیروهای آن کشور وارد آمد. اسرائیل در یک اخطار به عراق این کشور را تهدید به یک حمله سریع و استفاده از بمب های نوترونی در این حمله کرد.

وجود یک زردخانه بزرگ از تسلیحات هسته ای و سلاح های کشتار جمعی غیر اتمی در منطقه خاورمیانه (با تشنجات جدی در آن) دارای عواقب ناگواری است.

"سیمور هرش" معتقد است: "اگر جنگ جدیدی در منطقه صورت گیرد و یا اگر یک دولت عربی اسرائیل را مورد هدف موشک های خود قرار دهد، همانگونه که عراقی ها انجام دادند، امکان یک جنگ اتمی، موضوعی که تا دیروز غیرقابل تصور و تابو بود، بسیار قریب الوقوع است."

"ایزار وایسمن" رئیس جمهور وقت اسرائیل می گوید: "اهمیت استفاده از تسلیحات هسته ای روز به روز بالا می رود و در آینده جنگی با استفاده از سلاح های معمول (غیر اتمی و کنونسیونل) نخواهیم داشت."

راه توده ۱۲۸ ۰۹,۰۴,۲۰۰۷

منابع:

Seymour Hersh: The Samson Option. Israel's Nuclear Arsenal and American Foreign Policy. New York, 1991, Random House

Mark Gaffney: Dimona. The Third Temple. The Story Behind the Vanunu Revelation. Brattleboro, VT, 1989

U.S. Army Lt. Col. Warner D. Farr: The Third Temple Holy of Holies. Israel's Nuclear Weapons, USAF Counterproliferation Center, Air War College Sept 1999

Barbara Rogers & Zdenek Cervenka: The Nuclear Axis: The Secret Collaboration Between West Germany and South Africa, New York, 1978

Peter Hounam: Woman From Mossad. The Torment of Mordechai Vanunu, London, 1999

Israel Shahak: Open Secrets: Israeli Nuclear and Foreign Policies, London, 1997

. Übersetzt aus dem Amerikanischen: Dr. Ernst Herbst www.middleeast.org* Original: